



## خلاصه کتاب بابای پولدار، بابای بی پول (۲)

### بخش سوم - درس دوم - چرا سواد مالی ضروری است؟

من درشگفتم که چرا بسیاری از مردم، سخت بر پول شان توجه و تمرکز دارند ولی به پرورش خود نمی پردازند اگر انسان ها انعطاف پذیر، با اندیشه باز و آگاه بار آیند، ثروت شان در نتیجه دگرگونی ها، پیوسته رو به رشد خواهد بود ولی اگر پول را حلال مشکلات خود بدانند به گمانم راهی دشوار را در پیش گرفته اند. هوشمندان مشکلات را از پیش پا بر می دارند و پول می سازند. پول بدون هوشمندی مالی به زودی از کف می رود. بسیاری از مردم در زندگی خود این نکته مهم را نمی فهمند که مقدار پول به دست آمده اهمیت ندارد. مقداری که می ماند مهم است. بنابراین هنگامی که از من می پرسند از کجا آغاز کرده ام یا چگونه می توان با شتاب ثروتمند شد، از پاسخم سرخورده می شوند. به آنان می گویم: بابای داراییم در کودکی به من گفت اگر می خواهی ثروتمند شوی باید دانش مالی بیندوزی. این دیدگاه را هر وقت دیدار می کردیم چون پتک بر مغزم می کوبید. همچنان که از راه سرمایه گذاری ها، امکان سرمایه گذاری دوباره فراهم می آید، دورنمای ثروتمندی نیز آشکار می گردد. تعریف راستین ثروتمندی را باید از چشم دارنده ثروت نگریست.

ثروتمندان دارایی می خرند. نادرها تنها هزینه به بار می آورند، طبقه میانی



جامعه ( بدهی هایی ) می خرند که گمان می کنند که ( دارایی )

است.

بخش چهارم : به کسب و کاری برای خودتان بیندیشید

بسیاری از مردم برای دیگران، نه برای خود کار می کنند. آنان نخست

برای دارنده شرکت، پس از آن برای دولت گیرنده مالیات و سپس برای بانک

های وام دهنده به ایشان کار می کنند.

گرفتاری های مالی ، اغلب پیامد کار کردن برای دیگران در سراسر زندگی است.

بسیاری از مردم در پایان روز کاری ، چیزی از خود ندارند برای این که در زمینه مالی بی نیاز

شوید باید برای خود نیز کسب و کاری به وجود آورید. دارا بودن کسب و کار ستون دارایی ها

را در برابر درآمدها به گردش در می آورد.

همان گونه که قبلا گفته شد، قدم اول، شناخت تفاوت دارایی از بدهی و خرید دارایی

است. ثروتمندان چشم به ستون دارایی ها دارند در حالی که دیگران به انتظار صورت حساب

درآمد نشسته اند، کاری که بسیاری می کنند. همین است که بی خیال از خانه بیرون

می روند و با کارت های اعتباری به خرید خودرو و یا دیگر کارهای تجملی دست می زنند

ممکن است که تنها حوصله شان از یک وسیله به سر آمده و خواستار اسباب بازی تازه ای

باشند. کسانی که با کارت های اعتباری و وام بانکی اقلام تفریحی و تجملی می خرند، اغلب



ناچار می شوند تا در زیر فشار مالی، آنها را با بهای اندک بفروشند. پس از

وقت گذاشتن و اندیشیدن در بنیان سرمایه گذاری های سنجیده و نیرومندی ستون دارایی های راستین، می توان بهره برداری از آنها را آغاز نمود. راهی که به سوی ثروتمندی پیش می رود این پاداش صرف وقت و دانش مالی کسانی است که کسب و کار خود را به راه انداخته اند.

## بخش پنجم: تاریخچه مالیات ها و قدرت شرکت های بزرگ

داستان رابین هود و مردان او را از دوران دبستان به یاد داریم. آموزگار ما این داستان را از نمونه های برجسته قهرمانی می دانست. کسی که پول و ثروت از داراها می ربود و میان نادارها پخش می کرد بابای دارای من رابین هود را نه قهرمان بلکه یک کلاهبردار می دانست.

صدها سال است که جنگ میان داراییان و ناداران در جریان است. فریادهای : ( از ثروتمندان بگیرید) پیوسته از گلوی عامه مردم بیرون آمده است. این مبارزه پیوسته ادامه خواهد یافت ولی بازندگان مردمی هستند که ناآگاه اند، آنانی که بامدادان از خواب بر می خیزند، به سخت کار کردن می پردازند و مالیات می دهند، ایشان اگر به روند بازی ثروتمندان آگاه بودند ( و قانون آنها را به کار می بستند) کاری می کردند که به استقلال مالی برسند.



بابای بسیار درس خوانده ام همواره مرا تشویق می کرد تا در شرکتی بزرگ

کار مطمئنی دست و پا کنم. از مزایای پیشرفت در پلکان قدرت شرکت ها سخن می گفت. او نمی دانست که با تسلیم شدن در برابر یک چک حقوقی ماهانه، انسان به گاوی شیرده و سر به زیر تبدیل می گردد.

هنگامی که دیدگاه های بابای دانشمندم را با بابای دارا در میان گذاشتم ، تنها به پوزخندی بسنده می کرد و می گفت: چرا مالک پلکان نباشی؟

به کار بستن روشی بر گرفته از بابای دارا مرا از اسیر ماندن در دام مسابقه موش دوانی رهایی بخشید. بدون دانش و آگاهی در زمینه مالی و کار کرد پول ( که بهره هوشی مالی می نامم) به دست آوردن این فرصت و رسیدن به استقلال مالی شدنی نبود.

بهره هوشی مالی فرآیند تجربه در چهار حوزه گسترده است:

۱- حسابداری : این آگاهی را من سواد مالی می نامم. مهارتی ارزنده که برای بر پا نمودن امپراطوری خود نیاز دارید. هر چه بیشتر پول داشته باشید، باید حساب و کتاب اش روشن تر باشد و گرنه کاخ ها فرود می ریزند حسابداری به بخش چپ مغز و جزئیات مربوط است . به یاری این مهارت ، از توانمندی ها و کاستی های هر کسب و کار آگاه می شوید.

۲- سرمایه گذاری: من نامش را دانش واداشتن پول به پول درآوردن گذاشته ام و یا بخش راست مغز با بخش آفریننده آن پیوند دارد.



### ۳- شناختن بازارها: داشتن شناخت عرضه و تقاضا : شناخت جنبه های فنی بازار (

آنچه بر اثر کارکرد احساسات شکل می گیرند، مانند فروش اسباب بازی ها در آغاز سال نو) دیگر عامل های کارا در بازار، جنبه های بنیادین آن ( چگونگی سرمایه گذاری به روش اقتصادی ) است . آیا سرمایه گذاری در وضعیت کنونی بازار درست یا نادرست است؟

۴- قانون : تصور کنید که یک سازمان یا یک فرد از مهارت های فنی حسابداری سرمایه گذاری در روند بازار، قوانین مالیات و بهره برداری از آن آگاه است و فردی یا شرکت دیگر از این قوانین آگاه نیست. تفاوت حرکت و پیشرفت این دو همانند راه رفتن و پرواز کردن خواهد بود و در دراز مدت نتیجه بسیار متفاوت است.

بهره هوشی مالی، از برآیند و هم افزایی مهارت ها و هوشمند های بسیاری ساخته می شود. ولی از دید من ، ترکیب چهار مهارتی که پیشتر آوردیم، مایه اصلی رسیدن به این ویژگی است اگر می خواهید به ثروتی چشمگیر برسید ترکیب این مهارت ها (دستیابی به هوشمندی مالی ) برایتان بسیار ضروری است.